

اقتصاد فروش، تراکم و وضعیت ثبت در بیست کارخانه صنعتی

### از جو.اس. باین

از زمانیکه حرکت تلفیق کردن شرکتها در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد، اقتصاددان های آمریکایی بطور مجدد در حیطه ای علاقه مند بوده اند که در آن اندازه بزرگ برای کارآیی تجاری لازم است. آیا حرکت تلفیقی لازم بود، آیا قاعده استدلالی از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر بود، آیا این آن صنعت تلفیق شده بدون از دست دادن کارایی خود می تواند به گزینه های کوچکتر تبدیل شود؟ این مقوله پیوسته سؤال حائز اهمیت برای دانشجویان تاریخ صنعتی اخیر و خط مشی مخالف تشکیل اتحادیه های بزرگ صنایع معاصر بوده است. در سه دهه گذشته با این تفکر که کارخانه یا اندازه شرکت به کارآیی ساختار یا ختم در هزینه متوسط بلندمدت یا نمودارهای ترازوی مربوط می شود اختصاص های بیشتری وجود داشته است و تحقیقاتی پیرامون اشکال و موقعیت های آن نمودارهای ترازوی در صنایع متفاوت و قراردادن کارخانه های موجود و شرکت ها روی آنها وجود داشته است.

از دیدگاه اقتصاددان، اقتصاددان شایسته، دانش بخاطر نمودارهای ترازوی خود در صنایع خاص مشخصاً بدون اهمیت است. فقط کوتاه اندیشی ممکن است یادگیریش را بدون هدف بزرگتر مبنی بر اینکه چگونه یک کارخانه باید پیوستگی های زیادی داشته باشد تا

کمترین هزینه تولیدی را داشته باشد یا یک شرکت اتومبیل چند ماشین مسافربری باید داشته باشد تا هزینه های تولیدی خود را به حداقل کاهش دهد. اما استنباطهای بدست آمده از این دانش ممکن است به چندین روش حائز اهمیت باشد.

اول، تناسب برون داد کلی صنعتی که یک کارخانه یا شرکت باید داشته باشد تا با کارایی منطقی حدی را مشخص سازد که در آن تراکم سازی در آن صنعت با ادامه دادن کاهش هزینه های تولیدی بهینه می شود. در هر صنعتی معیارهای حداقلی کارخانه یا شرکت که برای کمترین هزینه های تولیدی نیاز است. وقتی این معیارها بعنوان درصدهای معیار یا ظرفیت کلی صنعت بیان می شود و بصورت نمودارهای ترازوی در ظرفیت های کوچکتر یکی می شوند تا معیار تراکم سازی کارخانه ها یا شرکت ها را که برای کارایی منطقی در صنعت لازم هستند را تعیین کند.

دوم، همان رابطه کفایت تولیدی در تناسب بازار توسط کارخانه یا شرکت در هر صنعتی ارائه می شود تأثیر عمیقی روی رقابت بالقوه یا روی جابجایی شرکت های جدید برای وارد شدن به صنعت دارد. اگر یک کارخانه یا شرکت لازم شود کسر قابل محسوسی برون داد صنعت را داشته باشد که بطور منطقی دارای کفایت باشد اقتصادهای معیاری هیچ بازدارنده ای را به ثبت سوای نیازهای سرمایه ای مطلق ارائه نمی دهد. ولی اگر یک کارخانه یا شرکت باید به برون داد صنعتی بطور حائز اهمیت اضافه شود تا کارایی داشته

باشد و در صورتی که با اضافه شدن اندک بطور نسبی کارآیی نداشته باشد، ثبت در عیار دارای کفایت قیمت های فروش صنعتی را پائین تر می آورد یا باعث واکنش های نامناسب توسط شرکت های تأسیس شده می شود. در صورتیکه ثبت در معیارهای کوچکتر ممکن است باعث یک داوطلب حضور هزینه ای قابل ملاحظه ای داشته باشد در این وضعیت شرکت های تأسیس شده ممکن است قیمت ها مقداری بیشتر از سطح رقابتی بدون جذب کردن ثبت داشته باشند. در کل "وضعیت ثبت" از طریق معیاری که در آن شرکت های تأسیس شده می توانند بالای سطح رقابتی بدون اینکه ثبت مشکل تر شود اندازه گیری می شوند و آن بعنوان نسبتی از برون داد شرکت ایده آل در افزایش های برون دادی صنعتی می باشد.

سوم، مقدار پول لازم برای سرمایه گذاری در یک کارخانه یا شرکت دارای کفایت که از طریق اندازه آن تعیین می شود روی موجودیت لزوم سرمایه ای برای ثبت جدید تأثیر خواهد گذاشت. وقتی جریان های تساوی حقوق و سرمایه قرضی در یک دامنه ای برای سرمایه گذاری بخش لازم باشد آنها یا بطور مطلق محدود می شوند یا بطور مثبت به نرخ سود مربوط می شوند و دلارهای لازم برای تأسیس یک کارخانه دارای کفایت یا شرکت مشخصاً روی وضعیت ثبت در صنعت تأثیر خواهد گذاشت. در آخر، مقایسه ای از معیارهای کارخانه ها و شرکت های موجود در هر صنعت با کارآیی ترین معیارها

مشخص خواهد کرد که آیا کارخانه ها یا شرکت ها دارای کفایت اندازه ای خواهند بود یا آیا الگوی مقایسه ای موجود با کارآیی منطقی همخوانی دارد یا خیر. آیا تراکم کارخانه یا شرکت فراتر از حد لزوم می باشد، فراتر از حد مورد اندازه است یا از نقطه نظر کفایت تولیدی به اندازه کافی نیست؟ دانش پیرامون نمودارهای معیاری قبلاً به جواب نیاز دارد.

گرچه اطلاعات پیرامون رابطه کفایت در معیار دارای مقداری اهمیت است. از طریق تحقیق غیرتجربی نسبتاً چیز اندکی در این دانش توسعه وجود داشته است. اقتصاددان ها اساساً به تخصص های ترجیحی و تعمیم های کیفی در معیارگسترده متکی بوده اند.

یک دیدگاه رایج آمریکایی این است که اقتصادهای کارخانهای در معیاربزرگ خیلی وجود دارد و کفایت کارخانه ها به بزرگی که ساخته می شوند ممکن است واگذار شود اما اقتصادهای فراتر شرکت های چند کارخانه ای وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد از لحاظ پولی در محدودیت شاخص هستند و بنابراین بعنان موضوعی از خط مشی اجتماعی توجیه پذیری ندارند. در حالت غایی آن بحث این است که افزایش اندازه شرکت فراتر از موردی که یک کارخانه دارای کارآیی بطور نرمال باعث کاهش هزینه ها نمی شود و بنابراین نمودار معیاری تقریباً برای بعضی موارد فراتر از این نقطه بصورت افقی است. دیدگاه بریتانیایی عمده که توسط نویسنده هایی مانند؟؟، فلورانس و ای. ای،

جی. راینسون بیان شده است باور بیشتری را در اقتصادهای تأیید شده در مورد شرکت های بزرگ ارائه می دهد. هر دو مکتب به تعمیم های کیفی و امتحان نشده از لحاظ مالی در مورد تکنیک های تولیدی و تجاری اتکاء دارند که واکنش هزینه های تولیدی به متغیرها در معیارکارخانه یا شرکت تعیین می کنند. هنوز علی رغم طبیعت شدیداً انگاره ای این نوع اطلاعات معمول است. فرض داشته باشیم که مثال های متعددی از هر دو نوع صنایع دارای تولید مخصوص می باشد مواردی که در آنها این اقتصادهای اینگونه نیستند و چیز دیگری دارند.

تحقیق فرض مستقیم چیز زیادی را به دانش ما در ارتباط با نمودارهای معیاری اضافه نکرده است. بررسی های اساسی که از داده های هزینه ای حسابداری استفاده می کنند در منوگراف TNEC شماره ۱۳، و در کار بعدی انجام شده توسط جی،ام، بلیر در ارتباط با کمیسیون تجارت فدرال یافت می شود. متأسفانه صنایع مورد بررسی قرار گرفته شده خیلی کم هستند و دوره های زمانی مورد بررسی قرار گرفته خیلی انتزاعی و خلاصه هستند و کاربرد و تفسیر داده های آماری در اکثر موارد خیلی در معرض سؤال قرار داده می شود که هیچ تعمیم قابل اعتمادی در مورد نمودارهای تراز می تواند از بدنه این فرایند بدست آورد. وفور بیشتری در روش داده های معیار - سودی در ارتباط با شرکت ها با اندازه های متفاوت وجود دارد اما در اینجا این فرضیات که بطور نرمال برای بحث

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

کردن لازم هستند تأیید نمی شوند و سودهای بالاتر در هزینه های پائین تر خیلی متعدد هستند که هر تلاشی برای انبساط کردن نمودارهای ترازوی از معیارهای سودی دچار اختلال می کند.

گاهی اوقات بعضی اطلاعات رضایتبخش تر برای چند صنایع کم از طریق برآوردهای مهندسی نمودار ترازوی برای شرکت یا کارخانه پدید آمده است. اما در کل اطلاعات ما به گونه ای است که ما آمادگی نداریم چیز زیادی در مورد نمودارهای ترازوی و کاربردهایشان بگوئیم.

## I. حیطة بررسی کنونی

در ارتباط با بررسی اخیر پیرامون وضعیت ثبت در صنایع سازندگی امرکایی ممکن است داده های بیشتری پیرامون اقتصادهای ترازى توسعه داشته باشد. قسمتی از این اطلاعات ارائه شده در اینجا به هر کدام از صنایع تولیدی انتخاب شده بیست گانه مربوط می شود:

(۱) رابطه ظرفیت برون داد کارخانه دارای کمترین هزینه تا ظرفیت برون دادی صنعت، همراه با شکل نمودار ترازى کارخانه در اندازه های کوچکتر (۲) رابطه ظرفیت یک شرکت دارای کمترین اندازه هزینه ای در ظرفیت صنعت و نمودار ترازى شرکت در ظرفیت های کوچکتر و (۳) مقدار مطلق سرمایه پولی لازم برای تأسیس یک کارخانه ایده آل و یک شرکت ایده آل در دهه جاری

این داده ها تقریباً بطور کامل از برآوردهای مدیریتی یا مهندسی بدست آمده است که از طریق چند شرکت در صنایع مربوطه حاصل شده است. بطور دقیق آنها برآوردهای اقتصادهای معیاری و نیازهای سرمایه ای را منعکس می کنند که آماده شدند و در پاسخ به سؤالات قبلاً ترتیب داده شده خواه توسط یا در جهت اجرائات سطح بالا در این شرکت ها بوده است. فرایند کلی برای ایمن کردن این داده ها شامل موارد ذیل می شود:

(۱) بررسی بلند اولیه در مورد هر یک از بیست صنایع که براساس منوگراف های موجود به اسناد و دیگر مواد چاپ شده و چاپ نشر دیگر باشند (۲) آماده سازی برای هر

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandooch.com](http://www.kandooch.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

صنعت پیرامون سری سؤالات مجزا، خاص و نسبتاً طولانی که برای حذف بعضی اطلاعات هستند و روی موقعیت ثبت تأثیر دارند (۳) ایمنی بعد از توضیح دادن پروژه مربوطه و تضمین کردن اعتبار پاسخ ها و ارائه پیشرفت اتحادیه در پاسخ دادن به این سؤالات در تعداد زیادی از شرکت ها (۴) ارائه واقعی سؤالات (بجز در مواردی که اتحادیه عقب نشینی داشته است) با پاسخ های بدست آمده به صورت نوشتاری یا شفاهی یا هر دوی آنها با هم. پس روش مورد استفاده قرار گرفته دارای تلفیق شات - گان مجموعه سؤالات دارای تمام اهداف و همینطور کویزهای انجام شده روی مبل را شامل نمی شود. اما روش آزمونی کم و بیش دستی است.



ثبت، تغییر تمرکز و ثبات سهام بازار

از زوبرت مک گاکین

دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا

تئوری سنتی برای ثبت موارد نقش حائز اهمیتی قائل است. هنوز نسبتاً تلاش های اندکی وجود داشته است که بطور تجربی تأثیرات معیارهای ثبتی را تأیید کند. بطور خاص ما اطلاعات خوبی پیرامون تأثیرات ثبت در ساختار و عملکرد صنایع نداریم. این مقاله تأثیرات ثبت را در دو معیار ساختار بازار که رایج هستند مورد ملاحظه قرار می دهد. بطور خاص من رابطه بین معیارهای حقیقی ثبت خالص و تغییر تمرکز و ثبات سهام بازار را مورد تحقیق و بررسی قرار می دهم.

ثبت

اکثر موقعیت ها در ارتباط با طبیعت رقابت و عملکرد ایجاد شده صنایع معیار "استقلال شناخته شده" را در شرکت ها مورد تأکید قرار می دهد. یک نشانگر معیار "استقلال شناخته شده" تعداد مرکز تصمیم گیری مستقل در صنعت می باشد. هر چه تعداد شرکت ها بیشتر باشد سخت تر می توان توافق های خط مشی را ایجاد کرد. این فرایند نه فقط بنحاطر زیاد بودن تعداد آنهاست بلکه بنحاطر افزایش احتمالی در پیچیدگی تولید و ساختار قیمتی با توجه به افزایش تعداد شرکت ها می باشد. حتی بدون هیچ تبانی رسمی

تقریب های تقاضا و عملکردهای رقیبان با افزایش داشتن تعداد شرکت ها مشکل تر خواهد شد. ثبت خالص (Net entry) بعنوان تغییر درصدی در تعداد شرکت هایی که در بازار در یک دوره زمانی معین عمل می کنند تعریف می شود و معیار مستقیم تغییر در تعداد بخش های تصمیمی در خلال یک دوره زمانی می باشد.

از یک دیدگاه فرضی ثبت خالص مرتبط ترین معیار برای سؤالات پیرامون ساختار و رقابت می باشد. ولی داوطلبان در ارتباط با شرکت های برجسته بطور معمول کم باشد کاربرد تعداد شرکت ها ممکن است در بیان کردن اهمیت ثبت اغراق داشته باشد. یعنی

ممکن است باعث ابهام شود که به سادگی به تعداد شرکت ها برای تمام کردن تأثیر آنها که توسط بعضی شاخص های فعالیت اقتصاددان اندازه گیری می شوند کاربرد داشته باشد. این دقیقاً همان مسئله ای است که فرد در تعیین کردن معیارهای متضمن ساختار بازار یعنی تراکم با آن مواجه می شود ، چون تراکم یک شاخص یک پارامتری است آن نمی تواند در تعداد و اندازه توزیع شرکت ها در صنعت مورد محاسبه قرار داده شود.

در حالیکه استفاده از تعداد شرکت هایی که این امکان را فراهم می سازند که باعث شود فرد در بیان کردن اهمیت ثبت اغراق داشته باشد. این نقطه نباید بطور اغراق توصیف شود. اول، اینکه معیارهای ثبت برای تمام سازنده ها کم است معیار رشد شرکت های جدید نسبت به شرکتهای موجود بیشتر است. بنابراین اندازه اولیه ممکن است بهترین

نشانگر برای تأثیرات رقابتی مثبت نباشد. اضافه بر این اگر پتانسیل مثبت روی شرکت ها یک فشار باشد در این حالت مثبت حتی توسط شرکت های کوچک تأثیرات مهمی خواهد داشت. چون آن باعث افزایش تعداد رقابت کننده های بالقوه خواهد شد. این مشاهده این فرض بستگی دارد که شرکت ها در پایانه پائین تر توزیع اندازه ای رقابت کننده های حائز اهمیتی فقط از این لحاظ هستند که حجم داوطلبان بالقوه را نشان می دهند. در صورتی که این فرض ممکن است مورد سؤال واقع قرار داده شود و در مقدار زیادی از ادبیات رایج روشن و بدیهی است این فرضی است که ما مورد بررسی قرار می دهیم.

ثبت و تراکم

نسبت های تراکمی معیاری را مورد اندازه گیری قرار می دهند که در آنها تعداد خاصی از شرکت ها بازار را در دوره زمانی خاصی کنترل می کنند. در حالیکه اقدامات انحصاری وجود دارد و انتظار می رود که در صنایع دارای تراکم بیشتر نسبت به صنایع دارای تراکم کمتر بیشتر باشند رابطه در معرض کیفیت گذارهای چندگانه قرار داده می شود. معمولاً این صلاحیت ها (کیفیت گذاری ها) در دو عامل یافت می شوند. اول، تنگی خود شاخص، عدم برابری در سهام شرکت - آنگونه که از طریق تراکم مورد اندازه گیری قرار داده می شود به دگرگونی های گسترده ای در ساختار بازار موجود مربوط می

شود. دوم، تعداد زیاد الگوهای رفتاری با شاخص تراکمی خاص قابل رقابت هستند در غیر اینصورت نسبت های تراکمی توسط شرکت های بزرگ مشخص می شد، آنها مزیت خاصی در این زمینه دارند. با اندازه گیری سهام کلی بازار که توسط شرکت های بزرگ کنترل می شود. نسبت های تراکمی باعث می شوند تا ما تأثیرات مثبت روی این سهام مورد بررسی قرار دهیم.

برای مشخص شدن اینکه چه مقدار تغییر در سهام بزرگترین شرکت ها توسط مثبت در نظر گرفته می شود ما تغییر نسبی در تراکم را در سه قسمت قرار داده ایم:

$$\frac{\Delta C_r}{C_r} = \frac{\Delta S_r}{S_r} = \frac{\Delta_n}{n} - \frac{\Delta_n}{n} - \frac{\Delta \bar{S}}{S} \quad (1)$$

در این فرمول  $C_r$  برای نسبت تراکمی برای بزرگترین شرکت های  $r$  و  $S_r$  سهمیه محموله های صنایع کلی که توسط بزرگترین شرکت های  $r$  کنترل می شوند می باشد،  $n$  تعداد کلی شرکت ها و  $\bar{S}$  یک شرکت دارای اندازه متوسط در صنعت می باشد. معادله (۱) تغییر درصدی در نسبت تراکمی را برای بزرگترین شرکت های  $r$  در تغییر درصدی را در سهام مطلق محموله های کلی که برای شرکت های  $r$  در نظر گرفته می شود، معیار مثبت و تغییر درصدی در شرکت دارای اندازه متوسط را دسته بندی می کند.

نتایج این دسته بندی در جدول  $\pm$  آورده شده است. در هر حالت نمونه از نمونه اساسی متشکل از ۱۵۱ مورد صنعتی گرفته شده است (به ضمیمه A مراجعه شود) برای هر  $r$  و

دوره، نمونه انتخاب شده برای همه داده هایی که موجود بودند بیشتری بود. هیچ تلاشی برای استنباط نسبت ها در یک سال در موردی که موارد دیگر ارائه نشده بود انجام نشد. جدول  $\pm$  نشان می دهد که بطور متوسط تراکم در ۱۰ تا از ۱۸ مورد مطرح شده افزایش داشت بعلاوه در هیچ حالتی برای مدت ۵ یا شش کاهش در تراکم متوسط وجود نداشت. معیار متوسط ثبت از ۰/۶۶ تا ۲۳/۲۷ درصد می باشد.

این فرایند در مورد سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۵۴ می باشد که بطور معمول بیشترین افزایش ها را در تراکم داشته است و همینطور بدون استناد توسط کمترین معیارهای ثبتي مشخصه گذاری می شود. برای اولین سه دوره معیار متوسط ثبت از ۱۲/۸۴ تا ۲۳/۲۷ درصد ( $r = 20,8,4$ ) میباشد. در مقایسه با دوره های بعدی این دامنه به طور قابل توجه کمتر بود یعنی از ۰/۶۳ تا ۷/۳۸ درصد. ردیف ۷ نشان می دهد که در کل هر چه کاهش مبنی در تراکم کمتر باشد سهام در نظر گرفته شده در ثبت بیشتر خواهد بود. در حقیقت برای ۱۰ دوره با کمترین افزایش در تراکم (۱/۱۹ تا ۲/۷۳-) سهام همیشه تقریباً دوبرابر موارد دیگر بوده است.

این نتایج وجود رابطه منفی بین ثبت و تغییرات در سهام بازار که توسط بزرگترین شرکت ها کنترل می شوند را نشان می دهد. همبستگی ساده (ردیف ۹) بین تغییرات؟؟ متوسط در ثبت و تراکم به کاهش هایی بستگی دارد که معمولاً بجز در مورد دوره

۱۹۶۳-۱۹۵۸ بالاتر است. بنابراین مدارکی وجود دارد که رابطه در دوره های بعدی ضعیف تر می شود.

غیر از مشکلاتی که به تفسیر رابطه بین تراکم و اقدامات انحصاری مربوط می شود تغییرات در نسبت های تراکمی دچار کمبودهایی شاخص ساختار بازار می شود. چون نسبت های تراکمی هیچ اطلاعاتی را در مورد هویت و توزیع این شرکت های قرار گرفته در این نسبت نمی دهد تغییرات بزرگ در تراکم بدون هیچ تغییری در توزیع یا هویت شرکت ها قرار گرفته در این نسبت ثبت هستند با حرکت های ملموس دیگر در نسبت با تغییرات بزرگ در توزیع تا ترکیب بزرگترین شرکت ها هماهنگی دارد که در هر کدام از این بیست صنایع مورد استفاده قرار داده شده است.

سؤالات ارائه شده مربوط به اقتصادهای معیاری در هر صنعت طراحی شده اند تا بطور معمول اطلاعات پیرامون اندازه حداقلی کارخانه را برای کمترین هزینه و شکل نمودار تراز کارخانه در اندازه های کوچکتر همان اطلاعات برای شرکت و سرمایه لازم برای تأسیس کارخانه یا شرکت دارای بیشترین کفایت اندازه ای داشته باشند. پاسخ های مستقیم و روشن به این سؤالات بطور نرمال تضمین می باشد. در موارد زیادی مدارک زیادی در طول و استناد پاسخ های فرایند تقریب سازی دقیق وجود دارد. در بعضی از آنها اعداد ارائه شده بطور روشن دارای مشخصه هایی بعنوان حدس هایی غیر جبرانی

هستند گر چه در تعداد زیادی از اینها پاسخ دهندگان بخوبی می توانند حس خود را داشته باشند در خیلی از موارد نویسنده به احساسی می رسد که براساس آن بررسی هایی در مقابل منابع دیگر می باشد مقایسه ها پیرامون پاسخ های متفاوت و مستقل در همان سوالات است که بطور معمول پیکره قابل اعتماد داده هایی هستند که در آنها پیکره برآوردهای یک صنعت احتمالاً صحیح و درست می باشد. تا آنجا که داده ها قابل اعتماد باشند دارای مزیت هستند و برآوردهای مهندسی را در همان حس منعکس می سازند که آنها پیش بینی های تخصصی قبلی پیرامون روابط خالص هزینه معیاری بیش از مقایسه بعدی نتایج هزینه ناخالص را در بروندادهای متفاوت بدست آمده نشان می دهند. بنابراین آنها در کل بطور مستقیم به نمودارهای معیاری آنگونه که در تئوری اقتصادی درک شدند مرتبط می شوند.

بیست صنایع سازندگی مورد بررسی قرار گرفته ممکناست بعنوان نمونه هایی که تولید سیگار، صابون، نوشابه های گازدار، کفش، میوه و سبزیجات کنسرو شده، آرد، لاستیک و تایر، فرآورده های نفتی، ماشین آلات کشاورزی، تراکتور، فولاد، مس، سیمان، گچ، ابریشم مصنوعی، کانتینرها فلزی دارند مطرح باشند. این نمونه مشخص بصورت تصادفی بدست نیامده است. آن انتخاب شده تا حداکثر تنوع ممکن نمونه های صنعتی موجودیت داده ای همخوانی داشته باشد اما حقیقت این است که داده ها بیشتر برای

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

صنایع تراکمی بزرگ بیش از موارد دیگر توسعه یافته اند که باعث بعضی تفاوت‌های

سیستماتیک بین نمونه و تعداد کلی صنایع سازنده می شود.

مشخصه های زیر در مورد نمونه تا حدودی قابل توجه می باشد: اول آن صنایع بزرگ

۱۵ مورد از ۲۰ مورد در سال ۱۹۴۷ بیش از نیم میلیون تولید داشته اند. و آن فقط کمی

بیش از ۴ درصد تعداد کلی (۴۵۲) صنعت کارخانه ای را در سال ۱۹۴۷ تشکیل می دهد.

و حدود ۲۰٪ از تولید کلی که تولیدات در سال ۱۹۴۷ می باشد، دوم آن دارای تولید

بیشتر صنایع کارخانه ای تراکمی بالا و متوسط می باشد.



جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title:  
Subject:  
Author: yas  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 3/18/2012 11:34:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: hadi tahaghoghi  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 3/18/2012 11:34:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 16  
Number of Words: 2,402 (approx.)  
Number of Characters: 13,698 (approx.)